

تبیین جایگاه ایران در مقایسه با نفوذ گسترده بازیگران جهانی در منطقه

راهبردی قفقاز جنوبی

مهران مهدی‌زاده^۱، عبدالحسین پیکرنگار^۲، محمد طالقانی^۳ *، ابراهیم علیزاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۳۱

چکیده

منطقه قفقاز جنوبی، فارغ از چالش‌های سیاسی-امنیتی؛ به‌عنوان درجه‌ای برای تعاملات فرهنگی، اقتصادی-تجاری و جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌آید و بسیاری از کارشناسان بر اهمیت ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک این منطقه صحنه گذاشته و بر این موضوع که جهت بهره‌برداری از مزیت‌های این منطقه باید حوزه نفوذ خود را از جهات گوناگون افزایش دهند، تأکید کرده‌اند. در این راستا، هدف مقاله بررسی و تبیین جایگاه ایران در مقایسه با نفوذ گسترده بازیگران جهانی و ماهیت نقش‌آفرینی هریک از آنها در منطقه راهبردی قفقاز جنوبی در نظر گرفته شد. برای این منظور، با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، ابتدا از بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ۱۲ کشور، نهاد، سازمان یا اتحادیه شناسایی و طبق گزارش‌ها و پژوهش‌های مختلف نقش‌ها و اقداماتی که هر یک از بازیگران در این منطقه ایفا می‌کنند، تشریح و ماهیت آنها تبیین گردید. یافته‌ها نشان داد که ۱۲ نقش فرعی و اقدام شناسایی شده از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ۳ دسته کلی اقتصاد-تجاری؛ نظامی-راهبردی-امنیتی-اطلاعاتی؛ و ژئوپولیتیک قرار می‌گیرد. از طرفی تحلیل تبادلات تجاری کشورهای منطقه قفقاز جنوبی نشان داد که جایگاه ایران به‌عنوان یک کشور منطقه‌ای که با ۲ کشور اصلی قفقاز جنوبی یعنی «ارمنستان» و «جمهوری آذربایجان» مرز مشترک دارد نسبت به روسیه و ترکیه به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای؛ و آمریکا، چین، کشورهای اروپایی و رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای که عمدتاً عضو جی ۲۰ هستند، کم‌رنگ‌تر شده و نیازمند تقویت جایگاه خود در منطقه است.

واژگان کلیدی: بازیگران جهانی، قفقاز جنوبی، ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت صنعتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
 ۲. دکترای تخصصی، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، رشت، ایران
 ۳. دانشیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران
- * نویسنده مسئول: m.taleghani454@yahoo.com
۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت کسب‌وکار (فناوری اطلاعات)، دانشگاه پیام نور کرج، رشت، ایران

مقدمه

امروزه منطقه قفقاز از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی به صفحه شطرنج قدرت‌های بزرگ جهانی از جمله کشورهای روسیه، ترکیه، ایالات متحده و کشورهای اروپایی تبدیل شده و بر اساس نظریه قلب زمین دارای اهمیت کلیدی بر رهبری بر جهان بوده و یکی از مهمترین مناطق راهبردی جهان به شمار می‌آید. به همین دلیل است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، قفقاز را علاوه بر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بودن؛ به‌عنوان منطقه حساس از منظر ژئواکونومیک نیز در نظر دارند. منطقه قفقاز، به ویژه بخش جنوبی آن به چند دلیل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک به شمار می‌آید. یکی آنکه چهار راه ارتباطی شرق-غرب و شمال-جنوب است و به خاطر پل ارتباطی دو قاره آسیا و اروپا - از طریق ابتکار یک کمربند یک راه چین و کریدور شمال-جنوب مورد توافق هند، روسیه و ایران از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. دیگر آنکه راه ورود روسیه به غرب و غرب به روسیه است. سوم آنکه دارای منابع انرژی غنی نفت و گاز می‌باشد و مسیری برای انتقال این انرژی به اروپاست؛ یعنی خطوط لوله مهم در زمینه انتقال انرژی این منطقه به اروپا از داخل قفقاز جنوبی عبور می‌کند و نکته آخر اینکه محل تلاقی ادیان و اقوام مختلف با یکدیگر است. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که «مهمترین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی کدامند و ایران چه جایگاهی در مقایسه با آنها در این منطقه دارد؟».

در رابطه با نفوذ و نقش‌آفرینی بازیگران جهانی به این منطقه گفتنی است که قبل از فروپاشی شوروی، روس‌ها کنترل کاملی را بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داشتند؛ اما بعد از فروپاشی شوروی از یک طرف به خاطر ضعف قدرت روسیه در زمینه‌های صنعتی و اقتصادی علی‌رغم داشتن قدرت هسته‌ای و نظامی، روابط تاریخی، فرهنگی و زبانی با همسایگان؛ و از طرف دیگر به خاطر موقعیت ژئواکونومیک منطقه به دلیل برخورداری دریای خزر از ظرفیت‌های انرژی نفت و گاز^۱، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد توجه قرارگرفت؛ جنگ روسیه با

^۱ بر اساس اعلام سازمان انرژی جهانی مجموع ذخایر تأییدشده نفت خام و گاز طبیعی دریای خزر بالغ بر ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت و ۱۲ تریلیون متر مکعب گاز برآورد شده است.

اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲ و جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) نیز موازنه قدرت منطقه‌ای پساجنگ سرد را متحول کرده و محیط راهبردی قفقاز جنوبی خود را با واقعیت‌های نوپدید ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بازتنظیم نمود و در چنین بستری، بازیگران جدید، ظهور و نقش کنشگران سنتی تا حدودی تنزل یافت. البته دلایل دیگری نیز بر ظهور بازیگران جدید نقش داشت؛ زیرا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به خاطر ضعف در زیرساخت‌ها و وابستگی بیش از حد به ذخایر انرژی، نیاز شدیدی به حضور شرکت‌های خارجی برای استخراج نفت و گاز داشتند و به‌همین دلیل است که کشورهای فرامنطقه‌ای بسیاری به دلیل محدودیت منابع انرژی و مشکلات دستیابی مطمئن و ارزان قیمت و همچنین رهایی از وابستگی به روسیه درصدد جایگزین کردن و به نوعی متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی و ترانزیت کالا هستند؛ از طرف دیگر ایالات متحده که به عنوان رقیب جدی در منطقه وارد شده، طرفدار مسیرهایی است که در راستای اهداف بلندمدت و علائق ژئوپلیتیک خود، به محدود کردن نقش واقعی و اصولی روسیه و ایران در منطقه منجر شود. از سویی، محصور بودن در خشکی سبب شده است که توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای بدون ساحل و محصور در خشکی عمدتاً در گرو دسترسی آنان به دریاهای آزاد از طریق خطوط مواصلات زمینی و ترانزیتی کشورهای مجاور باشد و با توجه به اینکه در منطقه قفقاز جنوبی تنها گرجستان توانایی دسترسی به آب‌های آزاد دارد؛ لذا آذربایجان و ارمنستان برای دسترسی به آب‌های آزاد نیازمند همسایگانی مثل ایران و ترکیه بوده و هستند و بدین خاطر است که هر یک از واحدهای سیاسی منطقه بدون همکاری واحد دیگر به سختی می‌تواند مسائل خود را مرتفع نماید.

از طرفی، کوشش برای فراهم آوردن زمینه‌های همکاری اقتصادی میان کشورهای این منطقه با همسایگان و سایر کشورهای جهان در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا یا سازمان همکاری‌های شانگهای جز در برخی مواد، به شکل‌گیری اتحادیه‌های اقتصادی کارآمد و همگرایی اقتصادی در سطح منطقه‌ای نیانجامیده است. به‌علاوه، مناقشات قومی و سرزمینی، بی‌ثباتی سیاسی، عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی، گرایش‌های سیاسی متعارض و فقدان ساختار امنیتی همکاری‌جویانه، باعث شده که این منطقه همواره با

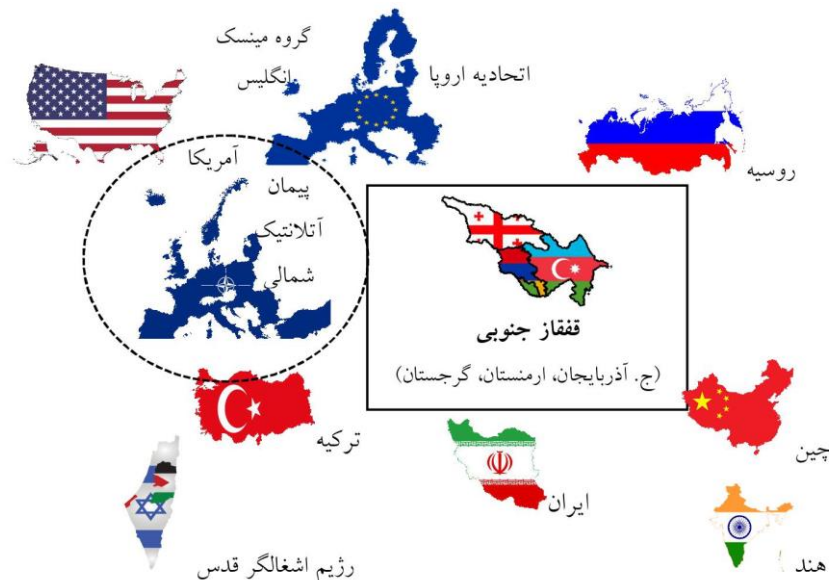
تهدیدات و چالش‌های امنیتی مواجه باشد و با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و منابع انرژی قفقاز توجه بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به این منطقه جلب شود تا هریک از این بازیگران با به کارگیری ابزارها و سیاست‌های مختلف و تأثیرگذاری بر ترتیبات امنیتی منطقه، به دنبال اعمال نفوذ و پیشبرد اهداف سیاست‌های خارجی خود در منطقه باشند. حال با توجه به اینکه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بسیاری در منطقه قفقاز جنوبی حضور داشته و نقش‌آفرینی می‌کنند؛ پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و تشریح اقدامات و نقش‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه قفقاز جنوبی؛ تبیین ماهیت اقدامات و نقش‌های بازیگران و دسته‌بندی آنها؛ و تبیین جایگاه ایران در مقایسه با آنها در قفقاز جنوبی می‌باشد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال تبیین نقشی است که هر یک از بازیگران جهانی در منطقه قفقاز جنوبی ایفا می‌کنند و همچنین به دنبال طبقه‌بندی نقش‌های اصلی و فرعی برای آشنایی با ماهیت هریک برای انجام اقدامات بهنگام با اقدامات ضدامنیتی بازیگران است، از نوع کاربردی است. همچنین پژوهش چون از توصیف و تحلیل نقش بازیگران جهانی در منطقه قفقاز و همچنین مقایسه آنها با یکدیگر بهره می‌گیرد، بلحاظ روش کیفی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی از نوع مقایسه‌ای می‌باشد. گفتنی است برای گردآوری اطلاعات، به دلیل استناد به یافته‌های پژوهش‌های پیشین (مقالات و گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی)، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد؛ بدین ترتیب که ابتدا نقش-های مختلف در قالب مضامین فرعی شناسایی و پس از جمع‌بندی، نقش اصلی بازیگران در قالب مضامین اصلی، طبقه‌بندی گردید.

۱. مروری بر ادبیات پژوهش

بنا بر ادعای پژوهشگران در منطقه قفقاز جنوبی چندین نوع رقابت و برخورد منافع وجود دارد. نخست، رقابت و برخورد منافع آمریکا و غرب (اروپا و ناتو) با روسیه که مهمترین رقابت و برخورد منافع امنیتی و اقتصادی به شمار می‌آید؛ دوم، رقابت و برخورد منافع روسیه و ترکیه؛ سوم، رقابت و برخورد منافع ایران و آمریکا،

غرب و رژیم اشغالگر قدس؛ چهارم، رقابت و برخورد منافع ایران و ترکیه به دلیل اقدامات ترکیه در راستای احیای امپراطوری عثمانی (نئوعثمانی) و ترسیم هلال نامتوازن ترکی از مرزهای شمال شرقی تا مرزهای غربی در مقابل هلال شیعی و خطر اقلیم‌سازی‌های ترکیه همچون قبرس شمالی، سوریه، عراق و جنوب ارمنستان؛ پنجم، رقابت و برخورد منافع جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه مورد مناقشه قره-باغ؛ ششم، رقابت و برخورد منافع ایران و جمهوری آذربایجان به دلیل تغییر مرزهای ایران و نفوذ رژیم اشغالگر قدس در بین مقامات باکو؛ هفتم، رقابت و برخورد منافع آمریکا و چین (Asaadi and FalahatPishe, Sharbati and Mozafari, 2015: 38). بنابراین (Javadi Arjomand and Fallahi, 2015: 211؛ Monavari, 2021: 182-185). بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را می‌توان طبق شکل ۱ معرفی نمود؛ که در آن ارمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه، ایران، روسیه) به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای و کشورها و سازمان‌ها یا نهادهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، اتحادیه اروپا و گروه مینسک (آلمان، فرانسه و انگلیس)، ناتو، چین، هند) به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شوند.



شکل ۱. نگاهی به موقعیت قفقاز جنوبی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در این بخش به طور تفصیلی ۱۲ بازیگر در منطقه قفقاز جنوبی معرفی و به نقش آفرینی و اقدامات آنها از دیرباز تا کنون در حوزه‌های اقتصادی-تجاری، سرمایه‌گذاری (در حوزه ترانزیت، انرژی، نفت و گاز، سدسازی و غیره)، نظامی-امنیتی (جنگ، خرید و فروش تسلیحات، تنش‌های مرزی)، فرهنگی (اعمال قدرت نرم و تبادلات فرهنگی و غیره) از دیدگاه پژوهشگران پیشین اشاره شده است.

۱-۱. ارمنستان به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای

ارمنستان یکی از ۳ کشور قفقاز جنوبی است که در ذیل مهمترین نقش‌هایی که در منطقه ایفا می‌کند، آورده شده است.

- **جنگ و تنش مرزی:** در پایان جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ بین ارمنستان و آذربایجان بخشی از این منطقه در قالب منطقه قره‌باغ به نقشه جمهوری آذربایجان الحاق گردید و دو کشور یک توافقنامه آتش‌بس سه جانبه را در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ با نظارت روسیه امضا کردند. به موجب این توافقنامه آذربایجان حق ایجاد مسیر حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی که از جنوب ارمنستان، خاک اصلی آذربایجان را به نخجوان متصل می‌سازد، بدست آورد. بر این اساس بخشی از جاده گوریس قاپان که مسیر اصلی ترانزیت و انتقال بار کامیون‌های ایرانی به ارمنستان است در پی توافق آتش‌بس در کنترل جمهوری آذربایجان در آمد؛ در حالیکه پیش از جنگ قره باغ، این جاده در کنترل کامل ارمنستان بود.
- **تجارت و روابط اقتصادی:** اتحادیه اقتصادی اوراسیا از ادغام اتحادیه گمرکی منطقه اوراسیا و نیز جامعه اقتصادی اوراسیا و به‌منظور مدرن‌سازی همه‌جانبه، همکاری و بهبود رقابت‌پذیری اقتصادهای ملی و ایجاد شرایط توسعه پایدار برای بهبود شرایط کشورهای عضو ایجاد گردید ارمنستان از ۲۰۱۵ به ترکیب کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا پیوست (Iran-Russia Friendship Associations, 2018: 2).
- **سیاست خارجی و همکاری نظامی-امنیتی:** ارمنستان به علت فقدان منابع مالی کافی سعی کرده که سیاست خارجی خود را فعال‌تر و بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را وادار به تضمین امنیت و استقلال خود نماید. در این راستا از یک‌سو شاهد تلاش ارمنستان برای افزایش روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با ایران و

روسیه و از سوی دیگر شاهد تلاش ایروان برای تحکیم روابط با غرب و ناتو خواهیم بود و به نظر می‌رسد ارمنستان سعی دارد در روابط خود با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعادل ایجاد کند. البته، مرزهای خارجی ارمنستان هنوز هم به وسیله نیروهای نظامی روسیه محافظت می‌شوند و ارمنستان موافقتنامه دفاع متقابل را با روسیه امضا کرده و برای دریافت تسلیحات نظامی روسیه اولویت قائل است و در عین حال به عنوان عضو سازمان معاهده امنیت دسته جمعی در حوزه نظامی با دیگر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی همکاری می‌کند (Rashidi and Maleki, 2019: 181-182).

• **تجارت کالا:** اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد که ایران جز ۱۰ صادرکننده اول به ارمنستان است. این نکته بیانگر آن است که برخورداری از مرز مشترک و داشتن تاریخ و اقوام مشترک می‌تواند در تبادلات و نقش‌آفرینی مؤثر باشد. اما همانطور که در جدول ۱ مشخص است، اغلب کشورهای منطقه‌ای (روسیه و ترکیه، گرجستان) و فرامنطقه‌ای (چین، فرانسه، ایتالیا، آلمان، هند و ...) نیز در تجارت با ارمنستان حضور فعال دارند.

جدول ۱: شرکای عمده تجاری ارمنستان به عنوان یکی از ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی تا سال ۲۰۲۰

کشور	۱۰ واردکننده اول از	۱۰ صادرکننده اول به
ارمنستان	۱) روسیه، ۲) سوئیس، ۳) چین، ۴) عراق،	۱) روسیه، ۲) چین، ۳) ایران، ۴)
	۵) هند، ۶) بلغارستان، ۷) اسپانیا، ۸)	۵) ترکیه، ۶) گرجستان، ۷)
	امارات، ۹) هلند، ۱۰) آلمان / ایران ۱۱)	ایتالیا، ۸) اوکراین، ۹) هند، ۱۰)
	(م)	فرانسه

منبع: رصدخانه پیچیدگی اقتصادی (OEC)

۱-۲. جمهوری آذربایجان به عنوان بازیگر منطقه‌ای

جمهوری آذربایجان یکی دیگر از ۳ کشور قفقاز جنوبی است که در ذیل به برخی از مهمترین نقش‌هایی که در منطقه ایفا می‌کند، اشاره شده است.



• ژئوپولیتیک و همکاری‌های متمایل به غرب: آذربایجان از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱، سیاست خارجی مبتنی بر موازنه ژئوپولیتیک را در پیش گرفته است. این سیاست در جست‌وجوی ۴ هدف اصلی و اساسی بوده است: بازپس‌گیری ناگورنو قره‌باغ از طریق دیپلماسی و موازنه نظامی؛ عدم تحریک روسیه؛ حسن همجواری با همسایگان (منهای ارمنستان)؛ و حرکت خزنده به سوی همگرایی با غرب به ویژه کشور ترکیه. در بین این اهداف، فارغ از گرایش بیش از حد باکو به ترکیه؛ همگرایی با رژیم اشغالگر قدس به عنوان یک کشور فرامنطقه‌ای و همکاری‌های نظامی امنیتی، سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی از جمله مهمترین همکاری‌های جمهوری آذربایجان و این رژیم می‌باشد که بیش از همه ایران را در منطقه تحت تأثیر قرار داده است (Omidi and Kheyri, 2016: 142).

• ترانزیت و حمل و نقل: جمهوری آذربایجان همچون ایران در دو مسیر دالان اقتصادی شمال-جنوب (هند-ایران-آذربایجان-روسیه-اروپا) و مسیر جنوبی کمربند و راه (چین-آسیای مرکزی-ایران-ترکیه-اروپا) قرار دارد؛ اما با تقویت مسیر میانی (ترانس کاسپین) نقش هاب ترانزیتی به جمهوری آذربایجان واگذار خواهد شد یا نقش و سهم آن بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد در حالی که تلاش‌های ترکیه برای تقویت و توسعه مسیر ترانس کاسپین^۱ بیشتر ماهیتی ژئوپولیتیک دارد (Iran Chamber Research Center, 2022: 13)؛ این تلاش‌ها از سوی جمهوری آذربایجان است که منافع ژئواکونومیکی ایران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. زیرا نخست قرار بود که ایران و جمهوری آذربایجان به طور مشترک تکمیل کریدور شمال-جنوب را تأمین مالی کنند، ولی ابتدا آذربایجان به دلیل تحریم‌های بین‌المللی از این کار خودداری کرد و در یکی دو سال اخیر نیز پس از جنگ اخیر قره‌باغ، روابط دو کشور با دشواری‌هایی مواجه شد که بر چشم‌انداز همکاری‌ها در این حوزه سایه افکند. از طرفی جمهوری آذربایجان از نظر موقعیتی که در سواحل دریای خزر دارد، دروازه ورود چین به قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. زیرا چین از راه بندر ترکمن-باشی در ترکمنستان و بندر آکتائو در قزاقستان که به شبکه ریلی آسیای مرکزی

¹ Route Transport International Caspian-Trans (TITR)

متصل هستند به جمهوری آذربایجان دسترسی پیدا می‌کند. در نتیجه، این کشور از جایگاهی مهم در مسیر حمل و نقل چین، آسیای مرکزی و غرب آسیا برخوردار است (Lianlei, 2016: 30).

- **جنگ و تنش مرزی:** بعد از جنگ اخیر قره‌باغ، جمهوری آذربایجان حق ایجاد یک مسیر حمل و نقل در خاک ارمنستان را برای اتصال به نخجوان به دست آورد. اما احداث این مسیر از سوی جمهوری آذربایجان تجارت زمینی بین ایران و ارمنستان را مختل نموده و باعث می‌شود که مسیرهای ترانزیتی ایران در شمال و شمال غربی به سمت اروپا برای صادرات و واردات در اختیار جمهوری آذربایجان و ترکیه قرار گیرد و یکی از روزه‌های حیاتی اقتصادی و تجاری ایران به خطر افتد. از طرفی؛ این مسیر به دنبال تشکیل ائتلاف کشورهای ترک بوده و انحصاری که ترکیه و آذربایجان به دست می‌آورند، با توجه به تضاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان ایران و دو کشور آذربایجان و ترکیه، برای امنیت ملی کشور و اقتصاد کشور خطرناک است و از همه مهمتر این که احداث این دالان در آینده ممکن است باعث اقدامات بعدی آذربایجان برای تصرف جنوب ارمنستان شود.

- **فعالیت‌های سیاسی - امنیتی - فرهنگی:** در ۲۰۰۱ با فرمان حیدر علی اف اولین کنگره آذربایجانی‌های جهان باکو برگزار شد. کنگره آذربایجانی‌های جهان هر پنج سال یک بار تشکیل می‌شود و نماینده آذربایجانی‌های مقیم کشورهای خارجی است. پنجمین کنگره آذربایجانی‌های جهان در شهر تازه آزاد شده شوشا (در منطقه قره باغ) ۲۲ آوریل ۲۰۲۲ (۲ اردیبهشت ۱۴۰۱) آغاز به کار کرد. کنگره‌ای که سابقه صدور بیانیه ضد ایرانی و دعوت از مخالفان تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران کم نداشته است. از جمله اهداف برگزاری این کنگره حفظ وحدت ملی در کشور، تحکیم همبستگی بین آذربایجانی‌های سراسر جهان، تحلیل مشکلات آذربایجانی‌های مقیم کشورهای خارجی و موقعیت کنونی از حیث وحدت و تشکیلات، بحث در مورد اهداف آتی برای تقویت ارتباط با آذربایجان و همچنین تقویت موضوعات ملی و فرهنگی و زبانی در کشورهای میزبان آذری‌ها به ویژه کشورهای آسیای میانه و اوراسیا از جمله قزاقستان، قرقیزستان، ایران، ازبکستان،

تاجیکستان، بلاروس، گرجستان، مولداوی، روسیه و اوکراین است. از سویی، دولت باکو چندین سال است که مقرر کرده اجتماعات عاشورایی در داخل مساجد آذربایجان و تنها با اهتزاز پرچم جمهوری آذربایجان به جای پرچم‌های حسینی برگزار شود/ این محدودیت‌ها در مقابله با سیاست‌های مذهبی ایران و به ویژه مذهب تشیع اعمال شده است.

- **ترانزیت انرژی:** کریدور جنوبی گاز شامل ۳ خط لوله انتقال گاز ترانس آناتولی (تاناپ) و ترانس آدریاتیک (تاپ) و نابوکو^۱ یا خط لوله جنوبی قفقاز به طول ۶۹۲ کیلومتر است، که از میدان گازی شاه‌دنیز در بخش جمهوری آذربایجان، دریای خزر آغاز شده و پس از عبور از تفلیس در کشور گرجستان، در شهر ارزروم، ترکیه پایان می‌یابد. این خط موازی با خط لوله باکو-تفلیس-جیحان است (Valizadeh and (Sadeghi, 2021: 165



شکل ۲. خط لوله گاز تاناپ و تاپ و نابوکو (Ajili and Zare, 2016: 13)

طبق شکل ۲، پروژه تاناپ از منطقه شاه‌دنیز در نزدیکی سواحل خزر آغاز شده و در ادامه با گذر از خاک گرجستان در خاک ترکیه ادامه یافته و قرار است تا کشور ایتالیا ادامه یابد. این کریدور جدید انرژی بین قفقاز - آناتولی - اروپا با مشارکت ۱۲ شرکت و ۶ کشور و با سرمایه‌گذاری ۴۰ میلیارد دلاری احداث شده است. پروژه انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا به ظرفیت ۱۶ میلیارد متر مکعب شامل دو مرحله است که مرحله اول آن موسوم به خط لوله انتقال گاز ترانس آناتولی (تاناپ)

¹ Nabucco

به ظرفیت اولیه انتقال ۶ میلیارد مترمکعب گاز به بهره برداری رسید. همچنین مقرر شد که ظرفیت این خط لوله تا سال ۲۰۲۳ به ۲۳ میلیارد مترمکعب و تا ۲۰۲۶ به ۳۱ میلیارد مترمکعب افزایش یابد. مرحله دوم کریدور جنوبی گاز، ترانس آدریاتیک (تاپ) نامیده می‌شود، به عنوان بخشی از دالان گازی جنوب، در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی افتتاح شده و نخستین محموله گاز آذربایجان در اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی از طریق این خط لوله به اروپا صادر شد. خط لوله نابوکو طبق شکل ۳، خط لوله‌ای است که قرار است گاز طبیعی را از منابع دریای خزر به اروپا از طریق آذربایجان، گرجستان، ترکیه، بلغارستان، رومانی، مجارستان و اتریش منتقل کند. هدف اصلی از احداث این خط لوله کاهش وابستگی منابع تأمین انرژی اروپا به روسیه می‌باشد. اغلب اعضای اتحادیه اروپا و آمریکا از این پروژه حمایت می‌کنند. این خط لوله رقیبی برای پروژه جریان جنوبی^۱ خواهد بود (Ajili and Zare, 2016: 12-13).

• **تجارت کالا:** اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که ایران جز ۱۰ صادرکننده اول به جمهوری آذربایجان است. این نکته بیانگر آن است که برخورداری از مرز مشترک و داشتن تاریخ و اقوام مشترک می‌تواند در تبادلات و نقش‌آفرینی مؤثر باشد. اما همانطور که در جدول ۲ مشخص است؛ اغلب کشورهای منطقه‌ای (روسیه و ترکیه، گرجستان) و فرامنطقه‌ای (چین، فرانسه، ایتالیا، آلمان، انگلستان، امارات، رژیم اشغالگر قدس و ...) نیز در تجارت با جمهوری آذربایجان حضور فعال دارند.

جدول ۲: شرکای عمده تجاری آذربایجان به عنوان یکی از ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی تا سال ۲۰۲۰

کشور	۱۰ واردکننده اول از	۱۰ صادرکننده اول به
آذربایجان	(۱) ایتالیا، (۲) ترکیه، (۳) روسیه، (۴) یونان، (۵) گرجستان، (۶) کرواسی، (۷) هند، (۸) اسرائیل، (۹) چین، (۱۰) اوکراین / (ایران ۲۹ ام)	(۱) ترکیه، (۲) روسیه، (۳) چین، (۴) آلمان، (۵) انگلستان، (۶) گرجستان، (۷) اوکراین، (۸) ایتالیا، (۹) امارات، (۱۰) ایران / (ایران ۱۰ ام)

منبع: رصدخانه پیچیدگی اقتصادی (OEC)

¹ South Stream

- **منابع آبی مشترک حاصل از رود ارس؛ ایران و جمهوری آذربایجان دارای منافع مشترکی در حوزه‌های مختلف هستند که یکی از آنها برخورداری از منابع آبی مشترک حاصل از رود ارس است و این امر باعث شده که علی‌رغم تنش‌ها، این دو کشور برای تکمیل ۲ سد ارس و خداآفرین بر روی رود ارس توافق کنند.**

۱-۳. گرجستان به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای

در ذیل به مهمترین نقش‌هایی که گرجستان به عنوان سومین کشور قفقاز جنوبی ایفا می‌کند، اشاره شده است.

- **ترانزیت و حمل و نقل:** گرجستان از جمله کشورهای در مسیر گذرگاه ترانس کاسپین (دالان میانی ابتکار کمربند و راه) است که سبب از دست رفتن یکی از مزیت‌های ترانزیتی ایران به عنوان پل ارتباطی آسیای مرکزی-قفقاز-آناتولی می-شود. این مسیر که در امتداد مسیر ترانزیتی از چین به قزاقستان قرار دارد، بنادر قزاقستان را از طریق دریای خزر به بندر باکو متصل می‌کند و سپس از مسیر ریلی باکو-تفلیس-قارص به شبکه راه‌آهن ترکیه متصل شده و در نهایت از طریق بلغارستان به اروپا می‌رسد (Iran Chamber Research Center, 2022: 12).

- **تنش مرزی و جنگ:** با فروپاشی شوروی در دهه ۹۰ میلادی گرجستان اعلام استقلال کرد و در پی آن اوستیای جنوبی نیز پس از درگیری‌هایی خونین با دولت مرکزی این کشور، جدایی و استقلال از گرجستان را اعلام کرد. پس از اعلام استقلال، این منطقه برای ۳ سال دچار درگیری‌های خونین شد تا اینکه در نهایت روسیه، اوستیای جنوبی و گرجستان توافق آتش‌بسی را در سال ۱۹۹۲ میلادی امضا کردند. این وضعیت تا انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی ادامه داشت یعنی زمانی که میخائیل ساکاشویلی که خواستار بازگشت دوباره اوستیای جنوبی به سرزمین اصلی گرجستان بود، به ریاست جمهوری رسید. با وجود اصرار رئیس‌جمهور، این ایده دو سال بعد با برگزاری همه‌پرسی در اوستیای جنوبی رد شد لذا گرجستان، خواستار عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا شد. این درخواست باعث افزایش تنش‌ها میان دو

کشور گردید و در سال ۲۰۰۸ جنگ میان جدایی‌طلبان و نیروهای دولت مرکزی گرجستان آغاز و دولت گرجستان شهر اصلی اوستیای جنوبی را هدف گرفت. در واکنش به این حملات، روسیه به بهانه حمایت از شهروندان روس، وارد اوستیای جنوبی شده و کنترل این منطقه را در دست گرفتند. پس از برقراری آتش‌بس در ۱۲ اوت ۲۰۰۸، روسیه استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا، دیگر منطقه گرجستان را به رسمیت شناخت و این کار منجر به قطع روابط دیپلماتیک مسکو و تفلیس شد. تشدید اختلافات میان گرجستان و روسیه نیز بر گرایش بیشتر تفلیس نسبت به اتحادیه اروپا تأثیر گذاشت و در نهایت منجر به امضای توافق همکاری میان تفلیس و بروکسل در سال ۲۰۱۴ میلادی شد.

- **تمایل به همکاری با غرب، ترکیه و ناتو:** بالا رفتن نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در قفقاز جنوبی منجر به کاهش و تضعیف موقعیت روسیه و نزدیک شدن آذربایجان و گرجستان به ترکیه و غرب گردید (FalahatPishe et al., 2015: 55). از طرفی همسایگی گرجستان با مناطق بحرانی قره‌باغ و چچن و متعاقباً امکان تأثیرگذاری آن بر عمق استراتژیک روسیه، از دیگر وجوه اهمیت ژئوپلیتیکی گرجستان محسوب می‌شود. با توجه به این که گرجستان در جنوب روسیه قرار دارد، هرگونه تحول در جنوب غرب گرجستان بطور مستقیم در عمق استراتژیک روسیه تأثیرگذار است و نزدیک شدن گرجستان به ناتو و بستن پیمان‌های نظامی با آمریکا در راستای تأمین منافع آمریکا در خزر و به دنبال آن مشارکت این کشور در انتقال انرژی خزر، نفوذ روسیه را محدود می‌کند (Rashidi and Maleki, 2019: 188).

- **تجارت کالا:** اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که ایران برخلاف جمهوری آذربایجان و ارمنستان، به دلیل عدم مرز مشترک با گرجستان، به لحاظ واردات از گرجستان در رده ۲۱ ام و به لحاظ صادرات به گرجستان در رده ۳۳ ام قرار دارد؛ اما همانطور که در جدول ۳ مشخص است اغلب کشورهای منطقه‌ای (روسیه، جمهوری آذربایجان و ترکیه) و فرامنطقه‌ای (چین، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، آلمان و...) جایگاه به مراتب بهتری نسبت به ایران دارند.



جدول ۳: شرکای عمده تجاری گرجستان به عنوان یکی از ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی تا سال ۲۰۲۰

کشور	۱۰ واردکننده اول از	۱۰ صادرکننده اول به
۱) چین، ۲) روسیه، ۳) آذربایجان، ۴)	۱) ترکیه، ۲) روسیه، ۳) چین، ۴)	
بلغارستان، ۵) ترکیه، ۶) اوکراین، ۷)	۵) آمریکا، ۶) آذربایجان، ۷) آلمان، ۸)	
سوئیس، ۸) ارمنستان، ۹) آمریکا، ۱۰)	۸) اوکراین، ۹) ایتالیا، ۱۰)	
اسپانیا/ایران (۲۱ ام)	فرانسه/ایران (۳۳ ام)	

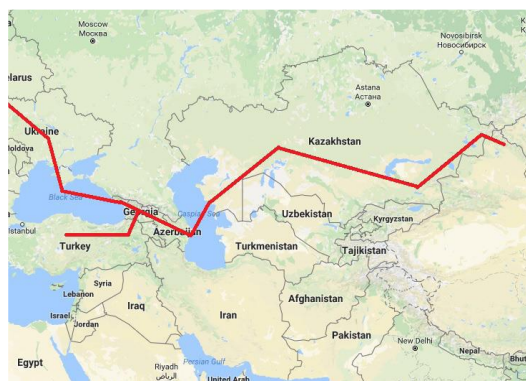
منبع: رصدخانه پیچیدگی اقتصادی (OEC)

۱-۴. ترکیه به عنوان بازیگر منطقه‌ای

• مرز زمینی و آبی مشترک: ترکیه پیوندهای دیرینه‌ای با «قفقاز جنوبی» متشکل از ارمنستان، آذربایجان و گرجستان، از جمله واحدهای مستقل اوستیای جنوبی، آبخازیا و قره‌باغ کوهستانی داشته است (Oskanian, 2011: 23). ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلومتر با قفقاز مرز مشترک دارد و از جنوب غربی قفقاز را دربرمی‌گیرد و علاوه بر مرز زمینی، در دریای سیاه نیز با قفقاز مرز مشترک آبی دارد.

• اهداف سیاسی-امنیتی و اقتصادی: سیاست خارجی ترکیه در قفقاز را می‌توان به دو بخش اهداف سیاسی-امنیتی (شامل: گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاهی مناسب؛ استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی با ارائه الگوی پیشرفت ترکی؛ اندیشه پان‌ترکیسم و نئوعثمانیسم؛ همکاری با غرب به‌ویژه آمریکا و ناتو در جهت گسترش به شرق و مهار ایران و روسیه؛ چندجانبه‌نگری و رفع مشکلات با همسایگان از طریق توسعه روابط با آذربایجان و گرجستان و کاهش اختلاف با ارمنستان) و اهداف اقتصادی (شامل: تأمین امنیت انرژی و تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی به اروپا؛ ترکی‌سازی خطوط لوله یا سیاست چهارراه انرژی؛ توسعه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری برای بدست آوردن بازار منطقه و صدور کالا و خدمات خود) تقسیم کرد (FalahatPishe et al., 2015: 45-50).

• **ترانزیت و حمل و نقل:** از زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، ترکیه از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و ارتباطات تجاری و حمل و نقلی که خزر را به جهان خارج از طریق گرجستان در دور زدن قلمرو روسیه وصل می‌کند، به یک بازیگر اصلی منطقه‌ای تبدیل شده است. ترکیه با گسترش نفوذ خود در منطقه درصدد بهره‌برداری بیشتر از مزیت نسبی خود یعنی دسترسی به آب‌های آزاد جهت اتصال کشورهای بدون ساحل و محصور در خشکی است چون آذربایجان و ارمنستان برای دسترسی به آب‌های آزاد نیازمند همسایگانی مثل ایران و ترکیه هستند. با توجه به اینکه ترکیه دارای مرز مشترک با نخجوان است، ایجاد مسیر حمل و نقل زنگزور امکان دسترسی مستقیم این کشور به جمهوری آذربایجان را می‌دهد. از طرفی مسیر دسترسی ترکیه به دریای خزر از طریق مسیر زنگزور ۳۴۰ کیلومتر کوتاه‌تر از مسیر کنونی باکو-تفلیس-قارص (۸۲۶ کیلومتر) است که طبعاً هزینه ترانزیت کالا را کاهش می‌دهد و در نتیجه سهم بیشتری از ترانزیت کالا میان آسیا و اروپا را (در مقایسه با مسیر گرجستان-اوکراین از طریق دریای سیاه) نصیب این کشور می‌کند. از طرفی، ترکیه در انتخاب گذرگاه ترانس کاسپین (دالان میانی ابتکار کمربند و راه) اهداف ژئوپلیتیک را نیز دنبال می‌کند. طبق شکل ۳، این گذرگاه ترکیه را به ساحل شرقی دریای خزر متصل می‌کند و ترانزیت کالا از آسیا به اروپا را تسهیل می‌کند (Iran Chamber Research Center, 2022: 12). ترانس کاسپین با تعمیق روابط ترکیه، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه به ایجاد یک «دالان تماماً ترکی» کمک می‌کند.



شکل ۳. گذرگاه ترانس کاسپین

• **ترانزیت انرژی:** همانطور که اشاره شد ترکیه در نظر دارد قطب ترانزیت انرژی به اروپا شود و برای اینکار به رقیبی جدی برای روسیه و ایران تبدیل شده است. طبق شکل ۳، ترکیه در ۳ خط لوله انتقال گاز تاناپ، تاپ و نابوکو، که از میدان گازی شاه-دیز جمهوری آذربایجان آغاز شده و پس از عبور از تفلیس در کشور گرجستان به ارزروم ترکیه می‌رسد حضور داشته و در نظر دارد از طریق دریای سیاه و به موازات خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و همچنین در رقابت با خطوط جریان شمالی و جنوبی روسیه، گاز را به اروپا برساند.

• **خودنمایی قدرت نظامی به ایران و روسیه به واسطه عضویت در ناتو:** ترکیه در سال ۱۹۵۲ میلادی عضو ناتو شد. عضویت ترکیه در ناتو و احداث سامانه‌های موشکی و راداری در ترکیه و قفقاز به شدت خشم روسیه را برانگیخته است. چراکه ترکیه در نشست عالی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی سال ۲۰۱۰ در لیسبون برگزار شد، نظر نهایی خود برای پذیرش استقرار سامانه سپر موشکی امریکا-ناتو در خاک خود اعلام کرد. تقابل دیگر منافع ترکیه و روسیه در روابط بسیار نزدیک آذربایجان، ترکیه و گرجستان و همراهی این کشورها با غرب به‌ویژه آمریکا است (Hildreth and Carl: 2011; and Najafi, 2012: 137).

• **گسترش قدرت نرم و اقدامات فرهنگی-مذهبی:** گسترش قدرت نرم ترکیه در قفقاز جنوبی یکی از اولویت‌های ترکیه در سیاست خارجی است. پیشروی‌های ترکیه به سمت قفقاز که بطور فزاینده‌ای به دنبال جنگ آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ و از زمان شروع عملیات نظامی ویژه روسیه در اوکراین آشکار شد، روابط با گروه‌های فعال مهاجر در قفقاز را شامل می‌شود. چنین پیوندهایی نفوذ ترکیه را در قفقاز گسترش داده و کنترل روسیه را تضعیف می‌کند و اکنون شاخه‌ای از «دنیای ترک» در حال رشد در داخل مرزهای فعلی فدراسیون روسیه می‌باشد. ترکیه نه تنها به دنبال ایجاد اتحادیه‌ای از دولت‌های ترک است، بلکه سعی دارد تا اتحادیه‌ای از ملت‌های ترک، از جمله آنهایی که در داخل مرزهای روسیه حضور دارند، ایجاد نماید. فعالیت سازمان امور دینی ترکیه و آژانس همکاری و هماهنگی آن (TIKA) و پروژه‌های انجام شده توسط بنیاد جوانان ترکیه (TUGVA)، ارتباط تنگاتنگی با اردوغان دارند. آنکارا

فعالیت خود را در جمهوری قره‌چای-چرکس و جمهوری کاباردینو-بالکاریا آغاز می‌کند و همچنین تلاش دارد تا در داغستان، اینگوشتیا، اوستیای شمالی، آدیغیه، چچن و منطقه استاوروپول نفوذ کند. بنیاد جوانان ترکیه به‌تنهایی حدود ۵۰ برنامه را در سراسر قفقاز سازمان‌دهی کرده است (Goble, 2022: 2). از سیاست‌های فرهنگی ترکیه می‌توان به تبلیغ برای تأسیس وزارتخانه کشورهای ترک‌زبان؛ ایجاد پول واحد کشورهای ترک‌زبان؛ تأسیس آموزش و پرورش کشورهای ترک‌زبان؛ تشکیل انجمن روزنامه‌نگاران ترک‌زبان؛ ایجاد کانال تلویزیونی تی.آر.تی و پخش برنامه به زبان‌های کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و آذربایجان اشاره نمود.

• **همکاری نزدیک با جمهوری آذربایجان:** تعامل سیاسی نزدیک بین آنکارا و باکو - که در شعار «یک ملت، دو دولت» درج شده یکی از مهمترین موضوعات است. عامل قومی-سیاسی شکل‌دهنده محیط منطقه به شمار می‌آید (Oskanian, 2011: 26). از سویی روابط ترکیه و جمهوری آذربایجان یک سال پس از جنگ دوم قره‌باغ ابعاد پیچیده‌ای از نظر نظامی، سیاسی و منطقه‌ای به خود گرفته است. نقش‌آفرینی ترکیه در قره‌باغ و یاری به آذربایجان که بر پایه تفاسیر ملی‌گرایانه و پیوندهای قومی و زبانی بوده است، این بار در حق‌آبه مردمان دو سوی ارس نیز خود را نشان داد و یا همچون تجربه سوریه و عراق (دجله و فرات) در قلب بحران‌های نظامی و امنیتی، مباحث زیست‌محیطی به حاشیه رفته و آبگیری از آب گل‌آلود صورتی حقیقی به خود گرفت (Kakaei and Dehghani Firouzabadi, 2021: 119).

• **سرمايه‌گذاري تركيه در حوزه سدسازی و تهديد كشورهای منطقه:** تركيه چند سالی است در راستای طرح «پروژه شرقی آناتولی» موسوم به «داپ» با هدف ارتقای سطح توسعه استان‌های شرقی کشورش و جلوگیری و خروج آب از این کشور به احداث سدهای بزرگ بر رود ارس اقدام کرده است. بنابراین یکی از پروژه‌های آبی این کشور، احداث سدهای متعدد روی «ارس» است که «کاراکورت: خرداد ۱۳۹۹؛ آبگیری سد کاراکورت در ترکیه و روی رودخانه ارس، با مخزن ۱/۶ میلیارد مترمکعبی» یکی از آن‌هاست و آبگیری هم شده است؛ آن هم با ۱/۶ میلیارد مترمکعب. اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود و قرار است سد سویلمز نیز یکی دیگر از ۴۰۰ طرح داپ است



که در سال ۲۰۲۲ به بهره‌برداری می‌رسد و ظرفیت ذخیره‌سازی آن بیش از یک میلیارد متر مکعب است و پس از آن سد «توزلوجا»، در آخرین نقاط خاک ترکیه بر سر راه این رود قد علم خواهد کرد. سد آخوریان نیز از جمله سدهای مشترک میان ارمنستان و ترکیه بر روی رود ارس است. این سدها سالانه میلیون‌ها مترمکعب آب را از رود ارس ساخت منتزع ساخته و جریان این رود را در پایین دست با مخاطره مواجه کنند.

• **دیپلماسی فعال و عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان بعد از جنگ قره‌باغ:** در سال ۲۰۲۱ دو کشور تصمیم به عادی‌سازی روابط بدون پیش‌شرط گرفتند. چشم‌انداز عادی‌سازی روابط بین دو همسایه ممکن است از نظر استانداردهای جهانی دستاورد بزرگی نباشد؛ اما برای ترکیه و ارمنستان متفاوت است. با وجود نزدیک به یک قرن بیگانگی، میراث تلخ تاریخی، و چندین تلاش دیپلماتیک شکست خورده در گذشته، ترکیه و ارمنستان به زودی می‌توانند پیشرفت‌هایی داشته باشند که هم برای ثبات قفقاز جنوبی و هم برای توسعه اقتصادی در یک زمان چالش‌برانگیز برای دو کشور قابل توجه است (Aydintasbas and Giragosian, 2022: 2).

• **تجارت کالا:** همانطور که در جداول ۱ تا ۳ مشاهده شد؛ کشور ترکیه رتبه نخست صادرات به کشورهای جمهوری آذربایجان و گرجستان را داشته و رتبه پنجم صادرات به ارمنستان را دارا و از این لحاظ جز شرکای راهبردی تجاری کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بوده و جایگاه بهتری نسبت به سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد.

۱-۵. ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای

ایران به دلیل هم‌مرزی با ۲ کشور از ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی و از طرفی داشتن مرز آبی و خاکی مشترک^۱، منابع آبی مشترک، ترانزیت کالا و انرژی، حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، همکاری‌ها و تبادلات تجاری مشترک بین ایران با کشورهای مذکور و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، قومی و مذهبی یکی از بازیگران مهم این منطقه به‌شمار می‌آید. در ذیل به برخی از این موارد اشاره شده است.

^۱ طول مرز مشترک ایران و ج. آذربایجان حدود ۷۵۹ کیلومتر و طول مرز مشترک ایران و ارمنستان حدود ۴۸ کیلومتر است.

- **ترانزیت و حمل و نقل:** ایران طبق شکل ۴ در دو مسیر کریدور اقتصادی شمال-جنوب (هند-ایران-ج. آذربایجان-روسیه-اروپا) و مسیر جنوبی کمربند و راه (چین-آسیای مرکزی-ایران-ترکیه-اروپا) قرار داشته و می‌تواند سهم بیشتری از ترانزیت کالا میان دو قاره را به خود اختصاص دهد و از مزایای تبدیل شدن به هاب ترانزیتی بهره‌مند خواهد شد.
- **ترانزیت و حمل و نقل و سرمایه‌گذاری مشترک:** قرارداد احداث پروژه ریلی آستارا-آستارا ۱۳۹۶/۰۳/۲۳ بین دو شرکت راه‌آهن ایران و جمهوری آذربایجان منعقد شد. به موجب این قرارداد که با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مبلغ ۶۰ میلیون دلار توسط شرکت راه‌آهن جمهوری آذربایجان صورت گرفته، شرکت آذری متعهد شد که ظرف مدت یک سال خط ریلی و ظرف مدت ۲ سال فرایند ساخت انبارهای تخصصی و عمومی و سایر امکانات پروژه راه‌آهن آستارا-آستارا را فراهم نموده و در قبال این سرمایه‌گذاری به مدت ۲۵ سال از تأسیسات و ۱۵ سال از خط ریلی بهره‌برداری کند. اما تعهدات کشور همسایه در خصوص سرمایه‌گذاری، دچار مشکل شد و پروژه‌ای که قرار بود از سال ۹۷ ظرف ۲ سال اجرا و تکمیل شود، تاکنون به سرانجام نرسیده و از ۶۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مورد تعهد شرکت خارجی تا این لحظه که قرارداد آغاز شده بالغ بر ۲۰ میلیون دلار (حدود ۲۲ میلیون دلار) آن جذب شده است.



شکل ۴. ایران، چهارراه ترانزیت جهان (کریدور شرق-غرب و شمال-جنوب)

اما علی‌رغم مزیت‌های جغرافیایی مسیر جنوبی ابتکار یک کمر بند و راه، عدم قطعیت‌هایی که به واسطه تحریم‌ها علیه ایران در خصوص مسیر جنوبی وجود دارد، جذابیت و سهم مسیرهای شمالی و میانی را افزایش داده است. کریدور شمال-جنوب نیز که با هدف اتصال روسیه و منطقه قفقاز به اقیانوس هند و بندرهای هندی پیشنهاد شد، نه تنها اهمیت ایران را در تجارت خارجی هند افزایش خواهد داد، بلکه از اهمیت مسیرهای جایگزین نظیر ترانس افغان و گذرگاه اقتصادی چین-پاکستان و حتی مسیر خلیج فارس به خاورمیانه که رقیب گذرگاه شمال-جنوب به شمار می‌رود خواهد کاست (Iran Chamber Research Center, 2022: 28-32).

- **تنش مرزی و اختلافات سیاسی:** آنچه که در تنش دیپلماتیک جمهوری آذربایجان با ایران بیش از هر چیز دیگر خودنمایی می‌کند به مسئله نفوذ رژیم اشغالگر قدس در ساختار سیاسی، دیپلماتیک، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و دفاعی این کشور (Omid and Kheiri, 2016: 138) و همچنین تلاش باکو برای ایجاد تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه قفقاز جنوبی ذیل تحمیل کردن مسیر حمل و نقل از منطقه زنگزور با هدف قطع روابط مرزی و ترانزیتی ایران و ارمنستان باز می‌گردد.
- **منابع آبی مشترک:** رود مرزی ارس و تهدید اقتصاد کشاورزی، پوشش گیاهی، شرایط زیست حیوانی و اکوسیستم منطقه، خشک‌شدن دشت مغان، ریزگردها و به طور کلی تهدید امنیت آبی و غذایی بخشی از تبعات منفی بی‌آب شدن ارس برای ما خواهد بود. درباره تبعات از دست دادن منابع آبی ارس همین بس که بدانیم سه استان آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل با این رود الفتی دیرینه دارند و ۴۵۰ کیلومتر مشترک این رودخانه مرزی برای زندگی و امرار معاش جمعیت قابل توجهی از مردم این استان‌ها حیاتی است. توافق ایران و جمهوری آذربایجان برای تکمیل ۲ سد بر روی رود ارس؛ در دهه گذشته عملیات اجرایی سد‌های خداآفرین و قیزقلعه‌سی نیز آغاز شده که به علت مناقشات میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، پرداخت بخش قابل توجهی از هزینه‌ها و انجام عملیات اجرایی آن، از سوی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت.

- **اقدامات فرهنگی و مذهبی:** پس از استقلال ملی جمهوری آذربایجان تا به حال میان باکو و تهران سندهای همکاری بسیاری در عرصه فرهنگی به امضا رسیده است. برگزاری متقابل روزهای فرهنگی، هفته‌های فیلم، نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری، همکاری دو کشور در حوزه‌های علمی و آموزشی نتیجه اسناد همکاری امضا شده میان دو کشور می‌باشد. تقویت مناسبات فرهنگی میان جمهوری آذربایجان و ایران همچنین به گسترش ارتباط مردمی و افزایش سفرهای گردشگری متقابل میان دو کشور تحرک بخشیده به‌طوری‌که شهروندان جمهوری آذربایجان بدون ویزا به ایران سفر می‌کنند. همچنین در حال حاضر زبان و ادبیات فارسی در چند دانشگاه و مرکز علمی جمهوری آذربایجان تدریس می‌شود. کارشناسان بر این باورند که با توجه به پیوندهای دو کشور همسایه ایران و جمهوری آذربایجان، درمقایسه با سایر کشورها ظرفیت‌های قابل توجهی برای تعمیق تعاملات در حوزه‌های مخلف از جمله فرهنگی وجود دارد که با برخی تقابلات اخیر بین دو کشور و محدودیت‌های دولت حاکم در باکو، برخی از فعالیت‌های دینی و مذهبی در این کشور محدود شده است.
- **تنش‌های سیاسی و نظامی ایران:** به دلیل اقدامات خصمانه و توسعه‌طلبانه جمهوری آذربایجان در راستای احداث مسیر حمل و نقل از منطقه زنگزور و شنیده شدن زمزمه‌های ایجاد تغییرات ژئوپولیتیک در مرزهای ایران و قطع دسترسی مستقیم ایران به ارمنستان؛ ایران علاوه بر اظهار نظر قاطع، ضمن تضمین حمایت و تعمیق روابط با کشور ارمنستان، علاوه بر بازگشایی کنسولگری در قاپان ارمنستان چندین رزمایش در مرزهای شمال غرب کشور برگزار نمود. از طرفی مناسبات سیاسی دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان دچار تنش گردیده است.
- **تجارت کالا:** اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد که ایران جز ۱۰ صادرکننده اول به ارمنستان و جمهوری آذربایجان است اما به دلیل عدم مرز مشترک با گرجستان، به لحاظ واردات از گرجستان در رده ۲۱ ام و به لحاظ صادرات به گرجستان در رده ۳۳ ام قرار دارد. این نکته بیانگر آن است که برخورداری از مرز مشترک و داشتن تاریخ و اقوام مشترک می‌تواند در تبادلات و نقش‌آفرینی مؤثر باشد.

جدول ۴. شرکای تجاری ایران با کشورهای منطقه قفقاز جنوبی تا سال ۲۰۲۰

کشور	۱۰ واردکننده اول از	۱۰ صادرکننده اول به
	(۱) چین، (۲) ترکیه، (۳) پاکستان، (۴)	(۱) چین، (۲) امارات، (۳) هند، (۴)
	امارات، (۵) آلمان، (۶) ارمنستان، (۷)	ترکیه، (۵) آلمان، (۶) برزیل، (۷)
	آذربایجان، (۸) هند، (۹) کویت، (۱۰)	ایتالیا، (۸) هلند، (۹) مالزی،
	قطر	(۱۰) کانادا

منبع: رصدخانه پیچیدگی اقتصادی (OEC)

۱-۶. فدراسیون روسیه به عنوان بازیگر منطقه‌ای

از لحاظ جغرافیایی، روسیه از طریق دریای سیاه به ترکیه و از طریق دریای کاسپین به ایران متصل بوده و با ۲ کشور از ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی یعنی جمهوری آذربایجان و گرجستان هم‌مرز است و با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای منطقه قفقاز و آسیای میانه قبل از فروپاشی جزئی از شوروی بودند؛ لذا پیوند تاریخی، فرهنگی و قومی بسیاری بین آنها بوده و روسیه نیز نه به اندازه قبل؛ اما در مجموع از نفوذ سیاسی قابل توجهی بر آنها برخوردار است. روسیه در این منطقه ۳ هدف اصلی از جمله روسی-سازی منطقه؛ جلوگیری از نفوذ آمریکا و تسلط بر منابع انرژی و شریان‌های اقتصادی را دنبال می‌کند (Rashidi and Maleki, 2019: 173). در ذیل به برخی از نقش‌ها و اقداماتی که روسیه در منطقه ایفا نموده اشاره شده است.

- **ترانزیت انرژی:** یکی از سیاست‌های روسیه برای دریای خزر تا ۲۰۳۰ سرمایه-گذاری در استخراج انرژی و نفت خزر و در بحث مبادلات تجاری برای کریدور جنوب-شمال است که در منطقه قفقاز جنوبی از جمله مهمترین تقابل منافع میان روسیه، ترکیه، ایران، جمهوری آذربایجان و گرجستان را باید در انتقال انرژی، به خصوص در زمینه تأمین انرژی اروپا دانست. روسیه انتقال انرژی به اروپا را جزء خطوط قرمز خود می‌داند و تمایل دارد که منحصراً انرژی اروپا را تأمین کند تا هم اقتصاد خودش را سامان بخشد و هم اروپا را وابسته به خود کند.
- **ترانزیت و حمل و نقل:** فراهم آوردن مسیرهایی با کمترین مشکل ترانزیت از نظر امنیت سرزمین، هزینه انتقال، مسافت خطوط انتقال و وجود زیرساخت‌های لازم از

جمله اهداف روسیه است. یکی از این راه‌ها تکمیل کریدور شمال-جنوب است که با هدف اتصال روسیه و منطقه قفقاز به اقیانوس هند و بندرهای هندی پیشنهاد شد، تنها مسیر ترانزیتی عبوری از ایران است که می‌تواند از فشارها و تحریم‌های غرب سود ببرد، هرچند نه تحریم‌های غرب بر علیه ایران. تحریم‌های غرب علیه روسیه به دنبال تهاجم این کشور به اوکراین هم در کوتاه‌مدت مسیرهای ارتباطی میان روسیه و اروپا که از طریق آن به بازارهای جهانی متصل می‌شد را به چالش کشیده است و هم اهمیت بازارهای آسیا و به‌ویژه هند را برای این کشور افزایش داده است.

- **همکاری‌های امنیتی، نظامی و اقتصادی:** روسیه با گسترش ائتلاف‌هایی مانند کشورهای مشترک‌المنافع؛ سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) که بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، به عنوان اعضای اصلی آن هستند؛ سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) که چین، هند، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان به عنوان اعضای اصلی آن هستند؛ و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) که بلاروس، ارمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در آن عضو هستند در تلاش است تا آسیای مرکزی را از جولان غرب و متحد شدن با اروپا دور نگه دارد. در حال حاضر، ارمنستان اخیراً به این اتحادیه پیوسته اما نشانه‌های اندکی وجود دارد که آذربایجان یا گرجستان هم از این روند پیروی کنند.

- **مقابله با نفوذ غرب و ناتو از یک سو و ایران و ترکیه از سوی دیگر:** طبق اسناد امنیت ملی روسیه، قفقاز در حوزه منافع حیاتی روسیه قرار دارد و کاهش نفوذ روسیه در قفقاز که مرز طبیعی روسیه است خطری برای یکپارچگی روسیه محسوب شود. روسیه حضور ناتو و آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ترکیه و ایران را مهمترین تهدید امنیتی خود می‌داند (Hosinzadeh, Asgarkhani and Mir Abbasi, 2019: 216) و می‌کوشد با تحکیم و تقویت نفوذ امنیتی خود در کل منطقه قفقاز عرصه را برای حضور رقبایش تنگ کند؛ از طرف دیگر، در منطقه قفقاز شش جمهوری خودمختار، داغستان، چچنستان، اوستیای شمالی، کاباردین-بالکار، قارچای-چرکس و آدیگه قرار دارد. ساکنان عمده این جمهوری‌ها غیرروس بوده و ۹۰ درصد آنها مسلمان هستند. این



جمهوری‌ها همچنین دارای اشتراکات فراوانی با اقوام ساکن در قفقاز جنوبی دارند و عمدتاً دارای فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه از مرکز هستند. روسیه سعی دارد با ایجاد یک کمربند امنیتی در مرزهای جنوبی خود با کشورهای آذربایجان و گرجستان، از تکرار چنین فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه جلوگیری کند. به طور کلی منافع روسیه در قفقاز را می‌توان در: الف) منطقه‌ای شدن قفقاز و خروج کشورهای فرامنطقه‌ای، ب) افزایش نفوذ و همکاری با کشورهای منطقه، ج) حمایت از ارمنستان در مقابل آذربایجان، د) ممانعت از عضویت گرجستان و آذربایجان در ناتو، ذ) مشارکت در طرح‌های انرژی و خطوط لوله و رقابت با ترکیه و آمریکا، ر) حفظ پایگاه‌های نظامی خود در منطقه، ز) مقابله با نفوذ ترکیه و ایران در منطقه، س) حمایت از تجزیه‌طلبان در گرجستان و به رسمیت شناختن آنها و حمایت از اقلیت‌های روس در منطقه خلاصه کرد (FalahatPishe et al., 2015: 54).

- **نقش آفرینی روسیه در تنش جمهوری آذربایجان و ارمنستان:** در پایان جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ دو کشور یک توافقنامه آتش‌بس سه‌جانبه را در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ با نظارت روسیه امضا کردند. در بند ۳ توافقنامه گفته شده که در امتداد خط مقدم گذرگاه لاپچین، یک گروه صلح‌بان فدراسیون روسیه مستقر شوند و تردد در گذرگاه لاپچین برای شهروندان جمهوری آذربایجان ایمن گردید و امنیت وسایل نقلیه و کالاها در هر دو جهت تضمین شود و برنامه ساخت مسیر جدید در امتداد این گذرگاه لاپچین ریخته می‌شود که ارتباط قره‌باغ و ارمنستان را با انتقال مجدد نیروهای حفاظت از صلح روسی برای محافظت از این مسیر فراهم می‌کند.
- **نقش آفرینی در سیاست داخلی انقلاب گل رز در گرجستان در سال ۲۰۰۳:** در روز افتتاح مجلس در حالی که شواردنادزه (رهبر ائتلاف برای گرجستان نو و غرب-گرا) مشغول سخنرانی بود مخالفان به رهبری ساکاشویلی بدون مقاومت پلیس وارد مجلس شده و با ورود ایوانف روسی به تفلیس و ترغیب شواردنادزه به استعفا، «انقلاب گل رز» به پیروزی رسید (Malakoutian, 2007: 243).
- **تجارت کالا:** به گزارش رصدخانه پیچیدگی اقتصادی (OEC) روسیه همواره جز ۵ صادرکننده اول به ۳ کشور منطقه قفقاز جنوبی و همچنین جز ۵ واردکننده اول از ۳

کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بوده و این بدان معناست که روسیه جز شرکای مهم تجاری این کشورها محسوب می‌شود.

۷-۱. آمریکا به‌عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای

- **ترانزیت و حمل و نقل:** ایالات متحده از طریق حمایت از مسیرهای شمالی و میانی طرح یک کمربند-یک‌راه، مسیرهای موازی کریدور شمال جنوب مانند مسیر ترانزیتی بین‌المللی لاجورد که افغانستان را از طریق ترکمنستان، آذربایجان و گرجستان به ترکیه وصل می‌کند؛ یا مسیر ریلی چین به ترکیه و اروپا و غیره به دنبال فراهم آوردن مسیرهایی با کمترین مشکل ترانزیت از نظر امنیت سرزمین، هزینه انتقال، مسافت خطوط انتقال و وجود زیرساخت‌های لازم به منظور ممانعت از تحقق کریدور شمال-جنوب و حذف ایران و روسیه از مسیر ترانزیت جهانی به دلیل تحریم با سیاست همه چیز بدون ایران و روسیه است. فشارهای آمریکا با هدف جلوگیری از ادغام ایران در هرگونه پروژه منطقه‌ای، سبب شده است تا ترکیه برای ارتباط زمینی با جمهوری‌های آسیای مرکزی از طریق باکو و دریای خزر و دوم، ترانزیت کالا میان آسیا و اروپا، مسیر ترانس کاسپین را برگزیند.
- **ترانزیت انرژی:** اختلاف‌های سیاسی ایران با آمریکا و حمایت همه‌جانبه سیاسی و مالی آمریکا، از مسیرهای عبور دریای خزر برای نفت و گاز آسیای مرکزی به عنوان جانشین برای عبور خطوط لوله ایران از دیگر نقش‌آفرینی این کشور در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است. سرمایه‌گذاری آمریکا برای مطالعه امکان‌سنجی خط لوله از ترکمنستان به آذربایجان یا باکو-تفلیس-جیحان یا در مسیرهایی شامل مسیر باکو-جیحان از طریق گرجستان و ترکیه، مسیر ترکمنستان-پاکستان از طریق افغانستان، مسیر گرجستان-روسیه از طریق چین و همچنین خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و آذربایجان و مخالفت آمریکا در قبال انتقال انرژی از مسیر ایران در پروژه انتقال گاز نابوکو و همچنین مخالفت سرمایه‌گذاری اروپا در خط لوله گاز نورد استریم همگی نمونه‌هایی از اقدامات ایالات متحده در این منطقه بر ضد ایران و روسیه و حمایت از کشورهای دیگر منطقه است (Valizadeh and Sadeghi, 2021: 156).

سوئی، یکی از اهداف آمریکا برای نقش‌آفرینی در منطقه قفقاز جنوبی تضمین فرصت‌های ژئواکونومیکی شامل کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس و بهره‌برداری از منابع جدید نفت و گاز، ایجاد خطوط انتقال انرژی و کنترل آنها معرفی شده است (Rahnejat and Kabiri, 2018: 154).

- **ایران‌هراسی و اقدامات نظامی - امنیتی:** از زمان فروپاشی شوروی، قدرت‌های غربی با بهره‌برداری از ظرفیت‌های متحدان محلی خود تلاش فزاینده‌ای در امنیتی کردن رفتار منطقه‌ای ایران در قفقاز جنوبی داشته‌اند. در تأثیر سیاست فراگیر ایران - هراسی به منظور تضعیف روابط راهبردی آن با همسایگان، تصویری امنیت‌زده و تهاجمی از سیاست خارجی ایران در دید همسایگان قفقازی، به‌ویژه جمهوری آذربایجان و گرجستان ایجاد شده است. نادیده گرفتن منافع و نقش ایران در بیشتر رویدادها و ابتکارهای منطقه‌ای همچون راهگذرهای ترانزیتی و انرژی، توسعه روابط نظامی و اطلاعاتی جمهوری آذربایجان با اسرائیل، تدوین رژیم حقوقی دریای خزر، نظامی کردن خزر و اهداف راهبردی آذربایجان و گرجستان برای پیوستن به ناتو، ایران را از تحولات راهبردی قفقاز جنوبی به حاشیه برده است (Valizadeh and Sadeghi, 2021: 157; Golmohammadi and Azizi, 2022: 296).

- **مقابله با روسیه با گسترش ناتو و اقدامات روانی:** بن‌بست روسیه و غرب بسیار فراتر از درگیری در اوکراین است. تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه‌ای که آمریکا و متحدانش علیه مسکو اعمال کرده‌اند و «حمله‌های اطلاعات روانی» به مسکو نیز بخش‌های اساسی درگیری هستند. کشورهای غربی در تلاشند تا به روابط متحدان در ائتلاف‌هایی مانند کشورهای مشترک‌المنافع، سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO)، سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) آسیب زنند. از طرفی حضور آمریکا و دیگر حامیان غربی این قدرت و گسترش ناتو عرصه را برای روسیه تنگ کرده است. اکنون آمریکا پایگاه‌هایی در قفقاز جنوبی در اختیار دارد، همچنین تعدادی از مستشاران نظامی آمریکایی در این منطقه و به‌ویژه گرجستان و جمهوری آذربایجان مشغول می‌باشند. انواع موافقتنامه‌های فروش سلاح، مساعدت نظامی و همکاری، مسائلی است که می‌باید

مدنظر قرار گیرد (Jafari Valdani, Safavi Homami and Hakim, 2015: 139; Nichol, 2014: 4; Rahnejat and Kabiri, 2018: 154).

- **مداخلات سیاسی و انقلاب‌های رنگی از طریق اعمال قدرت نرم:** نقش‌آفرینی آمریکا در انقلاب گل رز گرجستان با تحریک مخالفان مبنی بر تقلب در انتخابات با استناد به نظرسنجی انستیتو جامعه باز به پشتیبانی بنیاد سورس آمریکا که حاکی از پیروزی ائتلاف تروئیکای گرجستان (یعنی پیروزی ائتلاف دوم) بود؛ در حالی که نتایج شمارش آرا حکایت از پیروزی ائتلاف برای گرجستان نو داشت (Malakoutian, 2007: 243). قدرت نرم آمریکا در سال‌های اخیر بر نفوذ این کشور در اذهان مردم از طریق اخبار رسانه‌ها و بهره‌گیری مطلوب از رسانه‌ها و فضای مجازی استوار بوده است. از طرفی آمریکا از نهادهای رسمی و غیررسمی بسیاری برای اعمال قدرت نرم بهره می‌گیرد که در این بین برخی از نهادها با کمک شبکه‌ها و رسانه‌ها توانستند در انقلاب‌های رنگی منطقه و گرجستان نقش مهمی ایفا کنند (Omidi, Falahi and Barkhordari Naghani, 2019: 243).
- **تجارت کالا:** نگاهی به اطلاعات جداول ۱ تا ۳ نشان می‌دهد که میزان صادرات کالا از آمریکا به گرجستان و واردات از گرجستان توسط آمریکا نسبت به سایر کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بیشتر است و این بیانگر همکاری اقتصادی بیشتر این کشور با گرجستان به دلایل گرایش و نگاه گرجستان به غرب است.

۸-۱. رژیم اشغالگر قدس به‌عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای

- **همکاری‌های چندجانبه جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل:** روابط دو کشور در ابتدا بیشتر حول محور روابط فرهنگی - اقتصادی می‌چرخید، اما بعدها همکاری اطلاعاتی و امنیتی در روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل از اهمیت حیاتی برخوردار شد. به گونه‌ای که تبادل اطلاعات از جمله اطلاعات ماهواره‌ای و آموزش سرویس‌های اطلاعاتی-امنیتی جمهوری آذربایجان به زمینه‌های همکاری امنیتی دو کشور تبدیل شد. به عنوان بخشی از همکاری‌های نظامی و امنیتی، مراکز جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی توسط رژیم اشغالگر قدس در امتداد مرزهای ایران و جمهوری

آذربایجان در دهه ۱۹۹۰ ایجاد گردید و در سال ۲۰۱۱ رژیم مذکور شروع به فروش پهباد به آذربایجان کرد. همکاری این رژیم و جمهوری آذربایجان در مناقشه قره باغ کوهستانی در سال ۲۰۲۰ نیز استراتژیک بود. با آغاز روند جدید صلح بین اسرائیل و چند کشور عربی خاورمیانه، در راستای سیاست خارجی چندجانبه، اسرائیل به عنوان یک بازیگر فرامنطقه‌ای به دنبال ایفای نقش حداکثری در سایر مناطق از جمله قفقاز جنوبی است. از سوی دیگر، اسرائیل در بُعد سیاسی از گسترش روابط با جمهوری آذربایجان اهدافی را مدنظر قرار دارد و با گسترش روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان، دولت یهود به یک بازیگر مهم خارج از منطقه در قفقاز جنوبی تبدیل شده است (Shafiei, Postinchi, Ghorbani Sheikhneshtin and Khodaverdi, 2020: 1181-1183). میزان مبادلات تجاری باکو و تل آویو در سال ۲۰۱۵ حدود ۲ میلیارد دلار بوده که بیشتر از مبادلات تجاری فرانسه و اسرائیل است. از طرفی در سال ۲۰۲۰، اسرائیل جز ۱۰ واردکننده اول از جمهوری آذربایجان بود. از طرفی نیاز مبرم آذربایجان به فناوری‌های پیشرفته، پیشرفت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی و نبود این امکانات در منطقه قفقاز جنوبی، مقامات جمهوری آذربایجان را متقاعد کرده که با برقراری رابطه با اسرائیل می‌تواند به اقتصاد آذربایجان کمک کند. از طرفی وجود ذخایر انرژی جمهوری آذربایجان باعث شده که اسرائیلی‌ها تلاش‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفتی و گازی آذربایجان انجام دهند. از طرفی، داشتن بازار ۴۰ درصدی نفت در اسرائیل، با توجه به اینکه ۹۰۰ درصد صادرات آذربایجان را نفت و گاز تشکیل می‌دهد، برای باکو بسیار مهم است (Omidi and Kheyri, 2016: 150-151; OEC, 2020).

- **همکاری‌های چندجانبه گرجستان و رژیم اشغالگر قدس:** پس از فروپاشی شوروی، کشور گرجستان به برقراری روابط با دیگر کشورها از جمله اسرائیل روی آورد و در سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک این دو آغاز شد. اسرائیل از سال ۲۰۰۰ میلادی روابط نظامی و فروش تسلیحات به گرجستان را پس از مهاجرت برخی شهروندان یهودی گرجستان به این کشور آغاز کرد. تل آویو به موازات گسترش روابط اطلاعاتی و امنیتی با گرجستان، طی سال‌های اخیر کوشیده است از گرایش-

های غرب گرایانه دولت گرجستان در راستای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی و لجستیکی مطمئن علیه ایران بهره‌برداری کند. علاوه بر توانمندی‌های اسرائیل در مسائل امنیتی و سیاسی، در بخش‌های کشاورزی، صنعت، ساختمان و گردشگری از یکسو و نیاز گرجستان به بهره‌گیری از روش‌های علمی و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها منجر به افزایش همکاری‌های متقابل شده است (Rahnejat and Kabiri, 2018: 147).

۹-۱. کشورها و نهادهای اروپایی به‌عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای

وابستگی شدید اروپا به انرژی و مواد غذایی و همچنین لزوم انتقال سریع کالا از شرق به غرب به واسطه ترانزیت ریلی و دریایی و همچنین تأمین امنیت پایدار اروپا در مقابل تهدیدات از سوی روسیه باعث شده که نگاه کشورهای اروپایی به منطقه قفقاز جنوبی بسیار راهبردی باشد. در ذیل به برخی از نقش‌آفرینی ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک اروپایی‌ها و گروه‌های زیرمجموعه آنها در منطقه اشاره شده است.

- **ترانزیت انرژی:** حمایت‌های غرب به ویژه آمریکا و همچنین اتفاقات سال ۲۰۰۵ ، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ میان اوکراین و روسیه، سبب شد اتحادیه اروپا در جهت متنوع-سازی منابع انرژی حرکت کند و اقدام به سرمایه‌گذاری در ده‌ها پروژه کشف، استخراج و صدور انرژی منطقه نماید. در این میان خط لوله گاز ترانس‌خزر از بندر ترکمن‌باشی به اتحادیه اروپا یکی از خطوط لوله انتقال انرژی است. اتحادیه اروپا در سپتامبر ۲۰۱۱ تصمیم گرفت تا مذاکرات در خصوص راه‌اندازی این پروژه را با نمایندگان آذربایجان و ترکمنستان آغاز کند. این خط لوله در واقع، قسمتی از خط لوله انتقال گاز نابوکو بوده که از حمایت اتحادیه اروپا و آمریکا برخوردار است. خط لوله ترانس‌خزر، گاز ترکمنستان را به آذربایجان و از طریق خط لوله نابوکو به اروپای مرکزی صادر خواهد کرد و بدین ترتیب روسیه و ایران را دور خواهد زد (Jafarzadeh, Shakeri, Momeni and Abdoli, 2014: 8).
- **سیاست مداخله‌جویانه و همکاری راهبردی-امنیتی با گرجستان:** پس از جنگ روسیه و گرجستان بر سر اوستیای جنوبی که در نهایت به پیروزی استقلال‌طلبان منجر شد باعث گردید که اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر آن را به رسمیت نشناخته و همچنان آن را بخشی از گرجستان بدانند. از طرفی تشدید اختلافات میان



- گرجستان و روسیه بر گرایش بیشتر تفلیس به اتحادیه اروپا تأثیر گذاشت و در نهایت منجر به امضای توافق همکاری میان تفلیس و بروکسل در سال ۲۰۱۴ میلادی شد.
- **سعی در ایجاد اختلاف در پیمان‌های کشورهای منطقه و گسترش ناتو:** کشورهای غربی در تلاشند تا به روابط متحدان در ائتلاف‌هایی مانند کشورهای مشترک المنافع، سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO)، سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) و اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) آسیب زنند. حضور کشورهای عضو اتحادیه اروپا جهت گسترش ناتو عرصه را برای روسیه در مناطق پیرامونی تنگ کرده است.
 - **ترانزیت و حمل و نقل:** در حالی که پروژه‌های چینی در حوزه حمل‌ونقل در منطقه قفقاز در جریانند پروژه‌های دیگری از جمله کریدور حمل‌ونقل اروپا-قفقاز-آسیا با حمایت اروپا در جریان هستند (Ogutcu, 2015).
 - **نقش آفرینی در تنش مرزی بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان:** یکی از بازیگران بین‌المللی تعیین‌کننده در بحران قره‌باغ، گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌باشد. از آنجا که اروپایی‌ها قفقاز جنوبی را در محدوده اروپا شناخته و آن را در همسایگی خود تعریف می‌کنند، نسبت به مسائل آن به ویژه بحران قره باغ حساسیت خاصی دارند (Zahrani and Faraji Lohesara, 2013: 114).
 - اتحادیه اروپا و گروه مینسک سعی دارند علی‌رغم امضای توافقنامه ۹ ماده‌ای ترک منحصم بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان به ابتکار روسیه و همچنین اعلام جمهوری آذربایجان مبنی بر اینکه گروه مینسک کارکرد خود را از دست داده؛ در روند تصمیمات تأثیرگذار باشند. حال آنکه تلاش مجدد برای زنده کردن گروه مینسک در حقیقت تلاش برای ایجاد یک مشکل دیگر است و آنها می‌خواهند موضوع جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به مشکل روز و دائمی تبدیل کنند.
 - **تجارت کالا:** نگاهی به اطلاعات تجاری در جداول ۱ تا ۳ نشان می‌دهد که کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلستان و ایتالیا از جمله کشورهای صادرکننده کالا به ۳ کشور ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان هستند و این کشورها پس از روسیه، ترکیه و چین در رده‌های بعدی صادرات کالا به این سه کشور هستند.

۱-۱۰. ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) به عنوان نهاد فرمانطقه‌ای

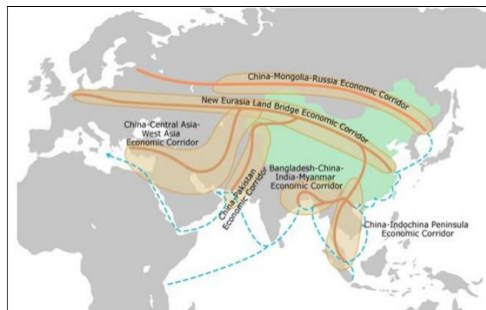
• نفوذ در منطقه قفقاز برای پایگاه‌سازی در کشورهای منطقه جهت مقابله با قدرت ایران و روسیه، چین: ناتو همچنان به گسترش خود و یارگیری هر چه بیشتر در اروپا، به ویژه اروپای شرقی ادامه می‌دهد. بدین ترتیب که پس از فروپاشی شوروی در سال‌های پایانی قرن ۲۰، پیمان نظامی ورشو منحل و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به عنوان بزرگترین اتحاد نظامی در سراسر جهان مطرح شد. در این دوران جمهوری‌های سابق شوروی به ویژه آذربایجان و گرجستان در قالب برنامه «همکاری برای صلح ناتو» از سال ۱۹۹۴ میلادی ارتباطات خود با این سازمان را در قالب آموزش، حفظ امنیت انرژی خزر، مبارزه با تروریسم، همکاری‌های هوایی در زمینه سوخت‌گیری و ترانزیت، برگزاری رزمایش‌های مشترک نظامی و غیره دنبال کردند. راهبرد «گسترش به شرق» ناتو موجب شده تا روسیه به عنوان قدرت بزرگ منطقه اوراسیا در قالب سیاست‌های واکنشی درگیر دو جنگ بزرگ در گرجستان و اوکراین شود. از طرفی ناتو به عنوان بازوی نظامی غرب می‌داند برای مقابله با سه کشور چین، روسیه و ایران باید قدم به منطقه قفقاز جنوبی و آسیای میانه بگذارد. حضور آمریکا و دیگر حامیان غربی این قدرت و گسترش ناتو عرصه را برای روسیه تنگ کرده است (FalahatPishe et al., 2015: 54).

۱-۱۱. چین به عنوان بازیگر فرمانطقه‌ای

اگرچه چین مرز مستقیمی با قفقاز ندارد، اما حضور رو به رشد پکن در منطقه باعث شده تا دولت‌های قفقاز جنوبی به دنبال جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی بیشتر در صورت امکان استراتژیک با چین باشند. از طرفی، فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه باعث شده تا چین از آن به عنوان اهرمی برای بیرون‌راندن دیگر بازیگران منطقه‌ای سنتی از جمله روسیه استفاده کند. منافع چین در قفقاز جنوبی اساساً برآمده از اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی است؛ با وجود این، چین برخلاف دیگر قدرت‌های حاضر در قفقاز جنوبی، رویکرد اختصاصی در برابر کشورهای این منطقه ندارد بلکه هر سه کشور منطقه را همانند یک مجموعه در نظر می‌گیرد (Skiertandrzejuk, 2018: 85). تأمین دسترسی به منابع جدید مواد خام، خلق

یک محیط باثبات حول محیط پیرامونی بسط یافته‌ی چین، ایجاد پیوندهای حمل و نقل فراقاره‌ای، و گشودن بازارهای جدید برای شرکت‌های چینی باعث شد که چین رویکردی خوشه‌ای در برابر قفقاز جنوبی داشته باشد؛ بدین معنا که اهمیت قفقاز جنوبی در سیاست خارجی چین در تعامل با کشورهای همسایه این منطقه (ایران و ترکیه) و در قالب طرح‌های کلانی مانند ابتکار کمربند راه تعریف می‌شود. در ادامه به برخی نقش‌ها و اقدامات چین اشاره شده است.

- **ترانزیت و حمل و نقل:** چین از حیث ترانزیت کالا میان آسیا و اروپا، ابتکار کمربند و راه را در ابتدا سه مسیر شمالی (چین-سیبری-روسیه-اروپا؛ مسیر جنوبی (چین-آسیای مرکزی-ایران-ترکیه-اروپا؛ مسیر میانی (ترانس کاسپین) پیش‌بینی کرده بود. کشورهایی که در مسیر این طرح قرار دارند شامل ۵ جمهوری آسیای مرکزی، کشورهای حوزه خلیج فارس، سه کشور قفقاز جنوبی، ترکیه و کشورهای غرب آسیا است. قفقاز جنوبی در میانه این مسیر قرار دارد و حلقه واسط میان آسیای مرکزی و غرب آسیا و همچنین اروپا محسوب می‌شود و عدم قطعیت‌هایی که به واسطه تحریم‌ها علیه ایران در خصوص مسیر جنوبی وجود دارد، جذابیت و سهم مسیرهای شمالی و میانی را افزایش داده است (Fallahi and Shafiee, 2020: 524).



شکل ۵. مسیرهای اصلی ابتکار کمربند راه و جاده مسیر حمل و نقل بین‌المللی چین

- همکاری تجاری و اقتصادی با کشورهای قفقاز جنوبی: چین یکی از مهمترین شرکای تجاری جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود. حجم معاملات تجاری بین چین و آذربایجان ظرف ۲۲ سال روابط دیپلماتیک ۸۰۰ برابر شده است و ۶۹ شرکت چینی اکنون در آذربایجان مشغول به کار در حوزه‌های تجاری، ساخت‌وساز، کشاورزی و ارتباطات هستند. بیش از ۴۰ درصد تجارت چین با منطقه قفقاز جنوبی با جمهوری آذربایجان انجام می‌شود. همچنین چین براساس توافقنامه بین دولتی که میان پکن و باکو به امضا رسیده است از بندر تجارت بین‌المللی دریای باکو در منطقه آلات پشتیبانی لجستیکی می‌کند. اما حضور اقتصادی چین در گرجستان نسبت به جمهوری آذربایجان و ارمنستان متنوع‌تر است. چین در صنایع چوب، سن مرمر، معدنهای مس، کارخانه‌های برق آبی، زیرساخت‌های جاده‌ای، راه‌آهن و انرژی گرجستان سرمایه‌گذاری کرده است. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری متنوع چین در گرجستان به دلیل مسیر حمل‌ونقلی برجسته این کشور در قفقاز جنوبی است (Ogutcu, 2015: 104; Fallahi and Shafiee, 2020: 532). همچنین طبق گزارش



OEC، چین یکی از شرکای عمده و راهبردی تجاری با ارمنستان به شمار می‌آید و هم در صادرات و هم در واردات جز ۳ کشور اول می‌باشد.

- به رسمیت شناختن تمامیت ارضی آذربایجان در مناقشه با ارمنستان: منافع سیاسی چین در قفقاز جنوبی عمدتاً غیرمستقیم هستند. پکن هیچ تمایلی برای درگیر شدن در تلاش‌ها برای حل تعارض‌های منطقه‌ای نشان نمی‌دهد و به نظر می‌رسد در این زمینه به سیاست روسیه احترام می‌گذارد. به عنوان نمونه، چین در خصوص بحران ناگورنو-قره‌باغ موضع بی‌طرفی سیاسی اتخاذ کرد و سیاست سازمان ملل را ملاک قرارداد؛ بدین ترتیب به طور ضمنی تمامیت ارضی آذربایجان را به رسمیت شناخت (Ogutcu, 2015: 104).

۱-۱۲. هند به عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای

- نقش‌آفرینی هند برای ترانزیت و اتصال به اروپا از طریق تکمیل پروژه کریدور شمال و جنوب: هند از یک سو اهمیت سیاسی و اقتصادی بالایی برای آسیای مرکزی قائل است و از سوی دیگر جایگاه بسیار نازلی در رقابت با دیگر قدرت‌های بزرگ در این منطقه دارد. هند به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک توان شبکه‌سازی را خواهد داشت از جمله ایفای نقش پیوندی بین ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس و آسیای جنوب غربی. راهبرد هند، حضور در کلان منطقه اوراسیا در قالبی فراتر از اوراسیای مرکزی به‌ویژه برای مقابله با ابتکار یک کمربند و یک راه چین، از طریق اجرایی کردن کریدور شمال- جنوب است که هدف آن ارتباط بهتر هند با ایران، روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و اروپای شرقی در بلندمدت است. اینستک نتیجه موافقتنامه‌ای بین ایران، هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ میلادی در سنپترزبورگ است که البته بعداً ۱۱ کشور دیگر نیز به آن پیوستند. این ابتکار، به عنوان یک کریدور چندحالتی با ۷۲۰۰ کیلومتر مسافت در نظر گرفته شده است که از هند شروع به روسیه و اروپا منتهی می‌شود و اقیانوس هند و خلیج فارس را با دریای خزر مرتبط می‌کند (Taheri, 2021: 23-27).

۲. یافته‌های تحلیلی

همانطور که مشاهده شد ۶ کشور ترکیه، ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای و کشورهای آمریکا، چین، رژیم اشغالگر قدس، اتحادیه اروپا و نهادهایی مانند گروه مینسک و ناتو به‌عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای به‌واسطه اقدامات مختلف در منطقه قفقاز جنوبی جمعاً در ۱۲ حوزه: (۱) سرمایه‌گذاری در پروژه‌های استخراج، اکتشاف، انتقال و ترانزیت انرژی؛ (۲) سرمایه‌گذاری در بخش ترانزیت کالا و حمل‌ونقل؛ (۳) سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های صنعت، کشاورزی و توسعه فناوری؛ (۴) تجارت کالا و خدمات و توسعه تبادلات تجاری؛ (۵) سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبی و سدسازی؛ (۶) دخالت در امور داخلی و سیاسی کشورها؛ (۷) انجام اقدامات فرهنگی برای نفوذ در کشورها (اعمال قدرت نرم از طریق رسانه‌ها، اینترنت، مؤسسات و نهادها)؛ (۸) همکاری‌ها در زمینه‌های امنیتی، نظامی، اطلاعاتی و جاسوسی؛ (۹) تقابل و رویارویی ژئواکونومیک از طریق اعمال سیاست‌های اقتصادی مانند تحریم، جنگ تجاری و محدودسازی سرمایه‌گذاری یا منزوی‌سازی؛ (۱۰) شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت مقابله با یکدیگر؛ (۱۱) جنگ و تنش‌های مرزی بین کشورها؛ و (۱۲) احیای امپراطوری‌های گذشته و توسعه قلمرو، نقش‌آفرینی کرده‌اند. در جدول ۵ به دسته‌بندی نقش‌ها و اقدامات بازیگران جهانی در قفقاز جنوبی به‌روش تحلیل مضمون؛ یعنی دسته‌بندی با توجه به قرابت محتوایی اشاره شده است.

جدول ۵. دسته‌بندی نقش‌ها و اقدامات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز

جنوبی

مضمین اصلی (نقش اصلی)	مضمین فرعی (نقش‌های فرعی)
--------------------------	---------------------------

جدول ۵. دسته‌بندی نقش‌ها و اقدامات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز

جنوبی

مضامین اصلی (نقش اصلی)	مضامین فرعی (نقش‌های فرعی)
نقش آفرینی اقتصادی- تجاری	۱. سرمایه‌گذاری در حوزه اکتشاف، استخراج، انتقال و ترانزیت انرژی ۲. سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت کالا و حمل و نقل ۳. تجارت کالا و خدمات و توسعه تبادلات تجاری ۴. سرمایه‌گذاری در صنعت، کشاورزی و توسعه فناوری ۵. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبی و سدسازی
نقش آفرینی امنیتی، نظامی، سیاسی	۶. دخالت در امور داخلی و سیاسی کشورها ۷. انجام اقدامات فرهنگی برای نفوذ در کشورها (اعمال قدرت نرم از طریق رسانه‌ها، اینترنت، مؤسسات و نهادها) ۸. همکاری‌های امنیتی، نظامی و اطلاعاتی- جاسوسی
نقش آفرینی ژئوپولیتیک	۹. تقابل ژئواکونومیک (سیاست‌های اقتصادی جهت تحریم، جنگ تجاری و محدودسازی سرمایه‌گذاری) با هدف تضعیف و منزوی کردن کشورها ۱۰. شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت مقابله با یکدیگر ۱۱. نقش آفرینی در جنگ و تنش‌های مرزی بین کشورها ۱۲. احیای امپراطوری‌های گذشته و توسعه قلمرو

۳۶۰



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره دوازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۴۳

پس از تحلیل مضمون براساس قرابت محتوایی، در نهایت ۱۲ اقدام متنوع و مختلف بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ۳ دسته نقش اصلی از جمله نقش آفرینی اقتصادی- تجاری، نقش آفرینی نظامی-امنیتی-اطلاعاتی و نقش آفرینی ژئوپولیتیک دسته‌بندی شد.

نتیجه‌گیری

«منطقه قفقاز؛ به ویژه قفقاز جنوبی»؛ دارای مزیتی است که فارغ از چالش‌های سیاسی - امنیتی؛ به‌عنوان فرصت و دریچه‌ای برای تعاملات فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و جغرافیای سیاسی به‌شمار می‌آید. به عبارتی دیگر، جمع‌بندی مطالب بار دیگر بر اهمیت ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک منطقه قفقاز از هر لحاظ برای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای صحنه می‌گذارد و بر این موضوع که ایران برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مزیت‌های این منطقه باید حوزه نفوذ خود را به لحاظ اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و امنیتی، افزایش دهد و با اتصال راه‌های خود به این منطقه نقش ترانزیتی و شاهراه را ایفا کند، تأکید می‌کند؛ البته طی دهه اخیر بحران‌ها و چالش‌های امنیتی و نظامی این منطقه منجر به بروز ناامنی برای ایران شده و به نظر می‌رسد با وقوع جنگ دوم قره‌باغ، منطقه قفقاز به لحاظ سیاسی و امنیتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ و وزن توجه و اهمیت دادن به سایر حوزه‌ها از جمله اقتصادی، تجاری، زیست‌محیطی، حقوقی و تعاملات فرهنگی نسبت به حوزه‌های امنیتی و سیاسی کمتر است. جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌واسطه اقدامات و نقش‌های مختلف و متنوع به منطقه قفقاز جنوبی نفوذ کرده‌اند که این ۱۲ نقش احصاء شده را می‌توان در ۳ دسته نقش اصلی از جمله نقش‌آفرینی اقتصادی-تجاری، نظامی-امنیتی-اطلاعاتی و ژئوپولیتیک دسته‌بندی نمود. همچنین یافته‌های بدست آمده از گزارش رصدخانه پیچیدگی اقتصادی نشان داد از بین ۳ جمهوری قفقاز جنوبی، ارمنستان از نظر اقتصادی و امنیتی بسیار به روسیه و ایران وابسته است اما جمهوری آذربایجان و گرجستان می‌کوشند تا از روسیه فاصله بگیرند. در این بین تمایل گرجستان به اروپا و تمایل جمهوری آذربایجان به ترکیه به عنوان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به چشم می‌خورد. به عبارتی دیگر، بالا رفتن نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در قفقاز جنوبی به منزله کاهش و تضعیف موقعیت روسیه در آنجا خواهد بود و موجب نزدیک شدن آذربایجان و گرجستان به ترکیه و غرب می‌شود و در نتیجه کاهش فشار سنتی روسیه در این دو کشور را به دنبال خواهد داشت. به هر حال، کشورهای روسیه و ترکیه به عنوان بازیگران منطقه‌ای و کشورهای چین،

آمریکا، آلمان، ایتالیا، انگلستان و هند به عنوان بازیگران فرامنطقه‌ای بیشترین نفوذ تجاری و اقتصادی را در منطقه قفقاز دارند. از نکات قابل توجه دیگر این است که این ۸ کشور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همگی از اعضای گروه ۲۰ (G20)؛ یعنی بیست اقتصاد برتر یا در واقع قدرتمندترین کشورهای جهان در زمینه اقتصاد هستند. از طرفی نگاهی دقیق‌تر نشان می‌دهد که ۴ کشور از بازیگران فرامنطقه‌ای ذینفوذ در منطقه قفقاز، یعنی آلمان، آمریکا، انگلستان و ایتالیا از بین گروه ۷ (G7) یا هفت کشور صنعتی جهان هستند. البته پیش از سال ۲۰۱۴ و الحاق کریمه به روسیه، این گروه موسوم به گروه ۸ (G8) بود که با لغو عضویت روسیه به گروه ۷ تغییر یافت. از طرفی طبق یافته‌ها مشخص شد که نقش ایران در هر ۳ حوزه اقتصادی-تجاری؛ نظامی-امنیتی-اطلاعاتی؛ و ژئوپولیتیک به عنوان یک کشور منطقه‌ای که با ۲ کشور اصلی قفقاز جنوبی یعنی «ارمنستان» و «جمهوری آذربایجان» مرز مشترک دارد نسبت به ۲ کشور منطقه‌ای روسیه و ترکیه و کشورهای فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا، کشورهای اروپایی، چین و رژیم اشغالگر قدس کم‌رنگ‌تر شده که از جمله دلایل آن را می‌توان تحریم‌های سیاسی و بین‌المللی کشورهای غربی فرامنطقه‌ای (سیاست همه‌چیز بدون ایران)؛ تصمیمات و راهبردهای کشورهای منطقه‌ای مانند ترکیه و روسیه به احیای امپراطوری عثمانی یا شوروی؛ سیاستگذاری هدفمند و فرصت‌طلبانه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای بهره‌برداری از منابع انرژی قابل توجه و مزیت‌های ترانزیتی قفقاز جنوبی و البته اتخاذ سیاست‌های نامناسب در زمینه‌های دیپلماسی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مناسب از سوی ایران و بکارگیری رویکردهای انفعالی طی دوره‌های قبل دانست و پیشنهاد می‌شود که ایران به منظور تقویت جایگاهش در منطقه، متناسب با نقش‌های ژئوپولیتیک، اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی-اطلاعاتی رقباء، رویکردهای فعالانه اتخاذ نماید.

منابع

- Ajili, H and Zare, M (2016). The Impact of Turkmenistan's Foreign Policy on Its Economy, Central Asia and The Caucasus Journal, Volume21, Issue92. Pages 1-27.[In Persian]
- Asaadi, B and Monavari, S. A (2021). Review of Iran-Russia Relations in the New Century: Strategic Alliance or Convergence of Interests, Political

- and International Approaches, Volume12, Issue4. Pages 181-210.[In Persian]
- Aydintasbas, A and Giragosian, R (2022). Acts of normality: The potential for Turkey-Armenia rapprochement, The European Council on Foreign Relations (ECFR), Volume439, Issue1, Pages 1-23.
- FalahatPishe, H and Sharbati, V; Mozafari, M. M (2015). Turkey's Foreign Policy in South Caucasus and Interests of Iran and Russia, Political Strategic Studies, Volume4, Issue12. Pages 37-60.[In Persian]
- Fallahi, E and Shafiee, N (2020). Assessment of China's Strategy in South Caucasus. Central Eurasia Studies, Volume 13, Issue 2. Pages 515-542. [In Persian]
- Goble, P (2022). As War Rages in Ukraine, Turkey Expanding Its Soft Power in North Caucasus, Eurasia Daily Monitor, Volume19, Issue86. Pages 1-4.
- Golmohammadi, V and Azizi, H (2022). The South Caucasus in the Regionalism of Iran's Foreign Policy, Central Eurasia Studies, Volume15, Issue1. Pages 281-305.[In Persian]
- Hakim, H and Jafari Valdani, A (2015). Geopolitics Changes of Caucasus and its Effects on National Security of Islamic Republic of Iran, Journal of Central Asia and The Caucasus Studies, Volume21, Issue91. Pages 38-64.[In Persian]
- Hildreth, S. A and Carl, E. K (2011). Missile Defence and Nato's Lisbon Summit, Congressional Research Service, Volume7-5700, IssueR41549. Pages 1-11.
- Hosinzadeh, S and Asgarkhani, A; Mir Abbasi, S. M. B (2019). Russian and Turkish approaches to security arrangements in the South Caucasus, Political Sociology of Iran, Volume1, Issue4. Pages 209-237.[In Persian]
- Iran Chamber Research Center (2022). Regional corridors and geoeconomic position of Iran, Tehran: Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture (ICCIMA)- Educational and Research Institute. Pages 1-36.[In Persian]
- Iran-Russia Friendship Associations (2018). The economy of the Eurasian Economic Union. IR: Tehran: IRRRUFA.
- Jafari Valdani, A and Safavi Homami, S. Y; Hakim, H (2015). The geopolitical changes of the Caucasus and the effect of the constant geopolitical factors resulting from it on the national security of the Islamic Republic of Iran, Scientific Journal of Security Horizons, Volume8, Issue28. Pages 135-160.[In Persian]
- Jafarzadeh, A, Shakeri, A and Momeni, F; Abdoli, G (2014). Cooperation among natural gas exporting of Caspian sea countries to export gas to Europe with respect to environmental requirements in a game theoretic framework, Economics Research, Volume14, Issue55. Pages 1-40.[In Persian]
- Javadi Arjomand, M. J and Fallahi, E (2015). The Comparative Examination of Iran and Turkey's Foreign Policy in South Caucasus with Emphasis on

- Azerbaijan and Armenia, *Central Eurasia Studies*, Volume 8, Issue 2. Pages 211-228. [In Persian]
- Kakaei, S and Dehghani Firouzabadi, S. J (2021). Turkey's Policy in the Karabakh Dispute, *Central Asia and The Caucasus Journal*, Volume27, Issue115. Pages 97-122.[In Persian]
- Malakoutian, M. (2007). The "Color Revolutions" in Central Asia and CAUCASUS and their defferences with actual revolutions, *Political Quarterly*, Volume37, Issue4. Pages 239-257.[In Persian]
- Masoudnia, H and Najafi, D (2012). The Turkey's new foreign policy and security threats in the face of the Islamic Republic of Iran, *Scientific Journal of Security Horizons*, Volume4, Issue13. Pages 137-162.[In Persian]
- Nichol, J (2014). Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests, *Congressional Research Service*, Volume7-5700, IssueR33453. Pages 1-36.
- Ogutcu, M (2015). China in the South Caucasus: not a critical partnership but still needed. In the South Caucasus Between integration and fragmentation. EPC & SAM, European Policy Center.
- Omidi, A and Falahi, E; Barkhordari Naghani, T (2019). Comparative Analysis of USA and Russia's Soft Power in the South Caucasus, *World Politics*, Volume8, Issue1. Pages 229-259.[In Persian]
- Omidi, A and Kheyri, M (2016). The Azerbaijan and Zionist Regime relationship and its Implications on National Security of Iran, *Strategic Studies Quarterly*, Volume19, Issue73. Pages 137-158.[In Persian]
- Oskanian, K (2011). Turkey's global strategy: Turkey and the Caucasus. IDEAS reports- special reports, Kitchen, Nicholas. UK: London School of Economics and Political Science.
- Rahnejat, M and Kabiri, H (2018). Factors Affecting the Divergence of Relations between the Islamic Republic of Iran and Georgia (2000-2016). *World Politics*, Volume7, Issue1. Pages 139-166.[In Persian]
- Rashidi, A and Maleki, M. (2019). Russia's Interests and Crisis in the South Caucasus, *Journal of Politics and International Relations*, Volume3, Issue5. Pages 167-193.[In Persian]
- Shafiei, A and Postinchi, Z and Ghorbani Sheikhneshin, A; Khodaverdi, H (2020). Study of political-security relations between the Republic of Azerbaijan and Israel and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Political Sociology of Iran*, Volume3, Issue3. Pages 1179-1194.[In Persian]
- Skiertandrzejuk, K (2018). The New Edition of the New Silk Road – the South Caucasus Case, *Polish Journal of Political Science*, Volume 4, Issue 2. Pages 79-94.
- Taheri, E. (2021). Network building strategy and position of I.R.I in foreign policy of India in Eurasia, *Political International Researches*, Volume13, Issue49. Pages 21-37.[In Persian]
- The Observatory of Economic Complexity (2020). Visualize, understand, and interact with the latest international trade data. (oec.world)

- Valizadeh, A and Sadeghi, M (2021). The Convention on the Legal Regime of the Caspian Sea and Iran's Position in the South Caucasus Energy Geopolitics, Central Eurasia Studies, Volume14, Issue1. Pages 153-176.[In Persian]
- Zahrani, M and Faraji Lohesara, T (2013). The International Sources of Karabakh Conflict Continuation. Central Asia and The Caucasus Journal, Volume19, Issue83. Pages 108-134. [In Persian]